



خشکسالی منطقه به آسیب رساند. آن خانم در دام فقر گرفتار شد. او مجبور به فروشی تنها گاو خود جهت خرید غذا گردید و دیگر نتوانست به حدکافی پول پس انداز نماید تا مجدداً گاوی خریداری کند. حالا او نمی تواند کره و شیر بفروشد. لذا او تمام روز وقت خود را صرف جمع آوری هیزم و فروش تپاله حیوانات می نماید. او و خانواده اش به سختی روزگار می گذرانند. در پایان روز کل درآمد آنها تمام می شود. یعنی آن خانم بیوه دیگر نمی تواند در مراسم و اجتماعات سنتی مشارکت نماید. او صرفه جویی و پس انداز برای خرید یک گاو و یا یک بز را تنها می تواند در خواب ببیند. او در غار سیاه فقر گرفتار شده است. " این غار سیاه نه تنها به افراد بدشناس اثر می گذارد. در سطح کلان می تواند تمام کشورها را صدمه بزند.

کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل می گوید:

امنیت انسانی به مفهوم وسیع آن، دربرگیرنده چیزی فراتر از نبودن نزاع های خشن است. آن دربرگیرنده حقوق انسانی، حکومت خوب، دسترسی به آموزش و مراقبت های بهداشتی و حصول اطمینان از اینکه هر فردی دارای فرصت ها و انتخاب هایی می باشد تا بتواند پتانسیل خود را از قوه به فعل درآورد. هر قدمی در این راستا همچنین یک اقدام در جهت فقرزدایی،

بعضی از هزینه های توسعه آشکار و مشخص اند. برای مثال؛ در مورد جنگها، مردمی که وارد نیروهای نظامی و اقتصادی یا ارتش می شوند، دیگر نمی توانند در بخش های تولیدی کار کنند. بعلاوه وقتیکه زیر ساختها تخریب شوند ظرفیت تولیدی یک اقتصاد هم راکاهش می دهند و از بین می برند.

۳ - توسعه نامتوازن که موجب نابرابری افقی می شود. یک منبع نزاع و درگیری است. بنابراین دایره فقر و توسعه نیافتگی منجر به نزاع و درگیری و از بین رفتن پتانسیل توسعه می شود. به همین ترتیب، امنیت بیشتر، موجب توسعه بیشتر و توسعه بیشتر موجب امنیت بیشتر می گردد. مردم و کشورهای فقیر، فاقد منابع لازم، جهت مقابله با نااطمینانی و ریسک هستند. آنها فقیر می مانند، زیرا نمی توانند شانس خود را در سرمایه گذاری های ریسکی اما سود آور، امتحان کنند. وقتیکه شوک های غیر منتظره و دیگر شوک های متداول آنها را به پله پائین درآمدی می اندازد، حتی فقیرتر نیز می گردند.

دروهون، وزیر همکاری توسعه هلند، در این رابطه با ذکر یک نمونه از آسیب پذیری یک خانواده به عواقب آسیب پذیری اقشار فقیر اشاره می نماید و می نویسد:

"من با شنیدن داستان یک خانم بیوه در شمال اتیوپی خیلی متأثر شدم. ده سال قبل وقتیکه یک

محبوب الحق، برای اولین بار توجه جهانیان را به مفهوم امنیت انسانی در سازمان ملل، برنامه توسعه سازمان ملل و گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ جلب نمود. گزارش توسعه انسانی سازمان ملل آشکارا بر امنیت انسانی تأکید نمود و سعی کرد توجه نشست جهانی سال ۱۹۹۵ سازمان ملل در مورد مسئله توسعه اجتماعی را در کینهاک به این مقوله جلب نماید.

از آن زمان تا به حال، توسعه و امنیت انسانی از طرف حکومت ها و نهادهای بین المللی، مثل؛ صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. امروزه، فقر و نابرابری بعنوان تهدید ملی، منطقه ای و جهانی قلمداد می شود.

مقاله ارزشمند فرانسیس استیوارت در خصوص توسعه و امنیت یک بررسی جامعی در خصوص رابطه بین امنیت و توسعه ارائه می نماید و چنین بحث می کند که امنیت انسانی و توسعه از سه طریق رابطه قوی با هم دارند:

۱- امنیت بشری یک بخش جدانشدنی از رفاه انسانی است و لذا یک هدف توسعه است. یک هدف توسعه گسترش انتخاب افراد است. ناامنی عمر را کوتاه می کند و مانع استفاده از پتانسیل انسانی شده و از آن طریق مانع دستیابی به این هدف می شود.

۲ - نبودن امنیت انسانی، اثرات معکوس بر رشد اقتصادی و فقر و در نتیجه توسعه بر جای می گذارد.

دستیابی به رشد اقتصادی و جلوگیری از نزاع و درگیری است. آزادی از نیاز، آزادی از ترس و آزادی نسل های آتی، جهت برخوردار شدن از یک محیط زیست سالم همگی سنگ بناهای امنیت انسانی و لذا امنیت ملی هستند.

در چند سال گذشته مسئله امنیت توجه خیلی از صاحب نظران را بخود جلب کرده است. امنیت در سطح ملی، منطقه ای و جهانی که با حرف S(بزرگ) نشان داده می شود ومستلزم آن است که توسعه اقتصادی سریعتر و عمومی تر صورت گیرد وشامل همه کشورها شود. به عبارت دیگر، امنیت بیشتر، بر هماهنگی بیشتر فرایند توسعه دلالت می نماید. اما تعریف دیگری از امنیت وجود دارد که با علامت s(کوچک) است که شامل امنیت اقتصادی و ثبات سطح زندگی فردی و امنیت اجتماعی است و دربرگیرنده نه تنها بیمه در مقابل طول عمر، بلکه همچنین موضوعاتی نظیر؛ جرایم و نزاع ها، بلایای طبیعی و بیماری های مسری است. در تعریف دوم، رابطه بین امنیت و توسعه خیلی واضح تر و قوی تر است.

به هر شکلی که امنیت را تعریف نماییم، همیشه مکانیزم هایی وجود دارد که ریسک ها بیمه شده و نشده خساراتی، بر توسعه اقتصادی و اجتماعی وارد می سازد. اثرات این شوک ها را می توان در دو سطح خرد و کلان، مورد بررسی قرار داد.

شوک های کلان

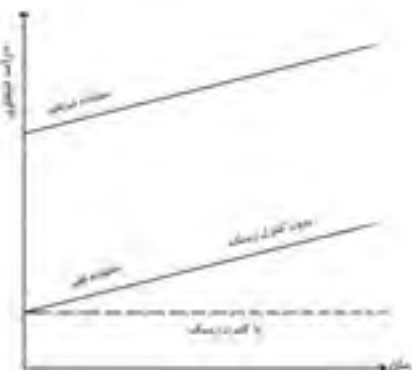
شوک های مربوط به قیمت کالا و شرایط نامساعد آب و هوایی می تواند کشورها را که در لبه پرتگاه قرار دارند، به پائین هل دهد. برای کشور اتیوپی چهار سال طول می کشد تا از خشکسالی نجات یابد این شوک ها برای کشورهای درحال توسعه مخصوصا آسیب پذیری بیشتری دارند. زیرا اکثرا متکی بر صادرات مواد خام و کالاهای اولیه و واردکننده کالاهای صنعتی هستند.

بر طبق گزارش بانک جهانی بین سال های ۲۰۰۰-۱۹۸۰، قیمت کالاهای کشاورزی ۴۷ درصد، قیمت نفت ۴۳ درصد و قیمت فلزات و مواد معدنی ۳۵ درصد کاهش یافت. تحقیقات نشان می دهد، که در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، نرخ مبادله منفی، به تولید بلند مدت ۵۶ کشور درحال توسعه آسیب رسانده است. کویر و دهن محاسبه کرده اند که ۴۰ درصد وخیم شدن دو نرخ مبادله تجاری، معادل ۲۰ درصد درآمد ملی هزینه در بردارد و این ضربه سختی لاقبل به فقرا خواهد زد. هر شوکی که به کشورها وارد می شود عقربه ساعت توسعه را به عقب بر می گرداند.

مردم و کشورهای فقیر، فاقد منابع لازم، جهت مقابله با نااطمینانی و ریسک هستند. آنها فقیر می مانند، زیرا نمی توانند شانس خود را در سرمایه گذاری های ریسکی اما سود آور، امتحان کنند. وقتیکه شوک های غیر منتظره و دیگر شوک های متداول آنها را به پله پائین درآمدی می اندازد، حتی فقیرتر نیز می گردند

جنگ های داخلی در کشورهای در حال توسعه، سالانه هزینه ای حدود ۱۰۰ میلیارد دلار در بردارد که تقریبا دو برابر کمکهای توسعه ای است که جوامع بین المللی سالانه برای کشورها اعطا می کنند. یک اقتصادی که ضعیف است و هیچگونه دسترسی به بازارهای مالی و اعتباری بین الملل ندارد و در مقابل هر حادثه ای آسیب پذیر است، وضعی است که شوک ها تمام اندوخته هایی را که ذخیره کرده است از بین می برد لذا راهی ندارد، جز اینکه مصرف و سرمایه گذاری خود را کاهش دهد. در این حالت است که موجب نااطمینانی و بی ثباتی شده و دورنمای توسعه آن مخدوش می گردد.

نمودار شماره ۲ - تاثیر کنترل ریسک بر مسیر درآمدی خانوارهای فقیر و غیرفقیر



نوسانات خرد و کلان دو اقتصاد باعث می شود که رشد بلندمدت اقتصادی صدمه بخورد. اولاً بخاطر نااطمینانی و بی ثباتی در کشور، اغلب سرمایه گذاری فیزیکی و انسانی کمتر از حد لازم تشکیل می گردد. ثانياً، محدودیت های اعتباری در سیستم های مالی، موجب عدم تقارن بین شوک های خوب و بد شده و توان مقاومت اقتصاد را تضعیف می نماید. سوم، در مورد آسیب پذیری بالا، انعطاف ناپذیری دستمزدها به طرف پائین، سود و سرمایه گذاری بلندمدت را تحت تأثیر قرار می دهد. چهارم تحقیقات ضد ادواری صورت نمی گیرد و هزینه های توسعه در دوران بحرانی بالا می رود.

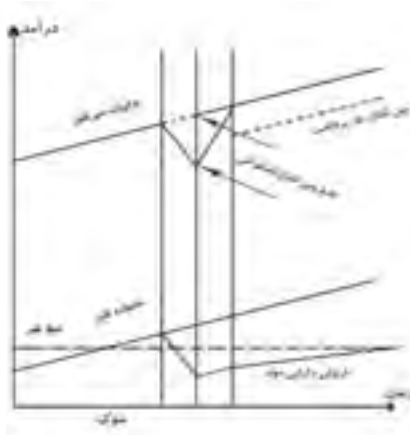
اثرات شوک ها در سطح خرد

شوک ها و ریسک ها اقشار ثروتمند و فقیر را بصورت متفاوت تحت تأثیر قرار می دهد. نمودار زیر این وضعیت را نشان می دهد. در قسمت بالایی نمودار، وضعیتی را نشان می دهد که خانوارهای غیر فقیر با شوک منفی درآمدی مواجه می شوند. خط سیاه ممتد و پرننگ مسیر زمانی درآمد را نشان می دهد. درحالی که خط نقطه چین، مسیر مصرف را نشان می دهد. ابتدا خانوارها هر چه درآمد بدست می آورند خرج می کنند. سپس شوک های درآمدی تا حدودی تأثیر منفی بر مصرف آنها می گذارد. وقتیکه خانوارهای غیر فقیر با شوک ها مواجه می شوند، آنها با استفاده از پس اندازها یا استقراض از یک بانک واکنش نشان می دهند. در حالیکه به آهستگی و به تدریج از میزان و سطح مصرفی خود می کاهند. بعد از شوک، خانوارها مصرف را زیر سطح درآمد نگه می دارد و به سازمان دهی درآمد خود می پردازند تا دارایی و ثروت خود را ترمیم و بازسازی کنند و یا وامی را در زمان شوک یا هنگام بحران بدست آورده بودند باز پرداخت نمایند. به عبارت دیگر خانوارهای غیرفقیر، به برکت ثروت اولیه و یا دسترسی آنها به بازار اعتبارات مالی و پولی می توانند به تدریج مصرف شان را "روان" و آسان سازند. زیرا مسیر درآمدی آنها بعد از شوک، بدون تأثیر ادامه می یابد اما برای اقشار فقیر وضعیت متفاوت است. همانگونه که در نمودار دیده می شود، بخش پائینی نمودار نشان می دهد که وقتی که خانوار فقیر با همان شوک مواجه می شوند، هر چه دارند مصرف می کنند و وقتی که پس انداز ندارند و یا مقدار آن ناچیز است و یا به بازار پول و اعتبار دسترسی ندارند و نمی توانند استقراض نمایند در آن صورت با محدودیت هایی مواجه می شوند و اغلب مجبور می گردند نه تنها بصورت خیلی جدی از میزان مصرفشان کم کنند بلکه برای تأمین مخارج خود مجبور می



گردند که دارایی مولد خود مانند احشام (گاو و گوسفند) یا سایر دارایی های خود را بفروش برسانند تا مخارج روزانه خود را تأمین نمایند. اما با این کار بعضی از منابع درآمدی آتی خود را از دست می دهند. قسمت پائینی نمودار ۱ - تبعات چنین تصمیمی را نشان میدهد: بعد از شوک، خط سیاه ممتد (درآمد) نشان دهنده یک روند خیلی پائین تر از روند اولیه است که منعکس کنند زیان دائمی سرمایه مولد خانوار فقیر است. همانگونه که نمودار نشان می دهد. یک خانوار در آن موقعیت به آسانی به زیر خط فقر سقوط می کند. این گرفتاری نه تنها در زمان شوک، است بلکه تا هنگامی که قادر به بازسازی و ترمیم دارایی مولد خود نباشد در دام فقر گرفتار می ماند. چنین وضعیتی نشان دهنده تله فقر است که تداوم تأثیر شوک منفی بر روی خانوارهای فقیر را بخوبی نشان می دهد.

نمودار شماره ۱- تأثیر شوک های اقتصادی بر خانوارهای فقیر و غیرفقیر



در بالا، مثال خانوار فقیری زده شد که مجبور به فروش دارایی مولد خود جهت خرید مایحتاج می شود و در دام فقر گرفتار می گردد. نمونه های دیگری نیز وجود دارد که فقرزدایی و برون رفت از تله فقر را دشوار می سازد، نظیر موردی که والدین قادر به تأمین هزینه آموزش فرزندان خود نمی شوند و مجبور می گردند آنها را از مدرسه بیرون ببرند و پس از شوک قادر نبودند که آنها را به مدرسه برگردانند و یا حتی وقتیکه بعد از شوک آنها را به مدرسه برمی گردانند فرزندان آنها بخش های مهمی از سرفصل دروس و مطالب درسی را از دست می دهند و لذا با یک عقب ماندگی یا ضعف دائمی مواجه می شوند. در این حالت اگر چه مسیر درآمدی آن ها تأثیر نمی پذیرد. اما البته این وضعیت سطح درآمد فرزندان را پائین می آورد و از توان آنها می کاهد. بنابراین نمودار ۱- باید به این صورت اصلاح گردد تا این واقعیت را نیز نشان دهد. که زیان درآمد یا زیان درآمد بالقوه به نسل بعد منتقل می شود.

البته روش هایی وجود دارد که از طریق آنها خانوارهای فقیر بتوانند از این شوک های منفی اجتناب نمایند؛ ایجاد اشتغال، افزایش سطح درآمد و ارتقاء سطح آموزش و بهداشت و حمایت های دولتی.

اگر پس انداز کردن یک گزینه برای بیمه نمودن فقرا باشد که با محدودیت معیشت مواجه اند در آن صورت، افزایش درآمد، سطح اشتغال، آموزش و بهداشت روش ها برای کنترل ریسک می باشند. اگر چه ممکن است کشاورزان اقدام به تنوع محصول تولید نموده تا از کاهش قیمت و یا ریسک های آب و هوایی در امان بمانند، اما اتخاذ یک چنین استراتژی هزینه بر است همچنین با متنوع نمودن محصول، کشاورزی فقیر بطور کامل از مزیت رقابتی خود که ممکن است در تولید محصول معینی داشته باشند

نمی توانند استفاده کنند. در عمل تحمل ریسک به معنی زیان درکارایی و درآمد آنها خواهد بود. نمودار ۲- این وضعیت را نشان می دهد.

از یک طرف کشاورزان غیرفقیر که می توانند از طریق تمرکز بر مزیت نسبی بر روی یک محصول معین از سطح درآمد بالاتر برخوردار گردند و پس انداز داشته باشند و خود را در مقابل شوک ها بیمه نمایند، اما از طرف دیگر کشاورزان فقیر ممکن است یک استراتژی کنترل ریسک اتخاذ نمایند و از انجام ریسک کمتر دارد اما با درآمد کمتر، کارایی کمتر، سرمایه گذاری و رشد کمتری همراه است. می توان انتظار داشت که چنین وضعیتی موجب فقر بیشتر شود.

بطور خلاصه می توان گفت که اولاً، شواهد فزاینده ای بر آن دلالت می نماید که ناامنی اقتصادی اثرات اجتماعی و اقتصادی زیادی دارد، این هزینه ها اغلب با این حقیقت تشدید می شوند که ارتباط نزدیکی بین جنبه های مختلف امنیت وجود دارد؛ یک زیان دائمی در درآمد موجب تشدید فقر و افزایش نابرابری می شود، لذا در برگشت موجب بر هم زدن نظم و تعادل اجتماعی می شود (که شامل جرانمی، نزاع ها، زدوخوردها، بحران های بهداشتی و زیست محیط و جنگ است) و این پتانسیل را دارند که تبعات سیاسی آن در سطح ملی، منطقه ای و جهانی در سطح بالایی گسترش یابد.

دوم، امنیت تا حد زیادی یک مشکل مربوط به کشورهای توسعه نیافته است. یعنی اینکه سیاستهای اقتصادی که با هدف رفع ناامنی اقتصادی طراحی می شوند نه تنها می بایستی اساساً رشد و توسعه را ارتقاء بخشند بلکه همچنین مستلزم اتخاذ سیاست هایی است که مستقیماً با شوک ها مقابله می نمایند. در نتیجه موضوعات امنیت اقتصادی و ثبات اجتماعی می بایستی همواره در طراحی، تدوین و اجرای استراتژی های توسعه بصورت سیستماتیک لحاظ گردند. این مسئله یک بار دیگر بر ضرورت طراحی نهادهای قوی تر و موثرتر و سیاست های بهتر در کشورهای با درآمد پائین تأکید می نماید. بنابراین در طراحی استراتژیکی توسعه باید به ریسک فاکتورهایی که در برابر مردم قرار دارند توجه لازم مبذول گردد و از سه طریق با این ناامنی ها مقابله شود؛ (۱) اقدامات پیشگیرانه و مقابله گرایانه و یا کنترلی در مقابل تهدیدات و ریسک ها (۲) اقدامات حمایتی و مقابله ای وقتیکه امنیت افراد با تهدیدهای فزاینده مواجه گردند و (۳) اقدامات مربوط به ارتقاء توانمندی افراد و بالابردن توان مقاومت آنها مخصوصاً اقشار فقیر و محروم جهت مقابله با اشکال مختلف فقر.